

بررسی تطبیقی اهداف مجازات‌ها در باور و اعتقادات حقوق عرفی و آموزه‌های اسلامی

امیر وطنی^۱

امیر حسن نیازپور^۲

فرزاد عسکری^۳

چکیده

به طور کلی هدف از مجازات در حقوق کیفری ارباب مجرم، سزا دادن، اصلاح، ناتوان سازی وی، عدالت ترمیمی و رضایت مجنی علیه می باشد. در این پژوهش با استناد به آیات قرآن کریم، روایات و احادیث اثبات نمودیم که هدف اسلام از کیفر مجرمین، چیزی جز اهداف فوق الذکر نمی باشد، با این تفاوت که اهداف اسلام از مجازات عامتر و وسیع تر از اهداف حقوق عرفی است. اسلام علاوه بر اهداف دنیوی که منطبق با اهداف حقوق عرفی یا کیفری نوین می باشد، اهداف دیگر بعنوان اهداف اخروی نیز دارد که همان سعادت بشر در آخرت است. لذا با توجه به اینکه خداوند در کلام خود مصلحت جامعه و مردم را در نظر دارد، در احکام وی نیز منفعت و مصلحت دنیوی و اخروی مردم مورد توجه قرار گرفته است. پس اگر زمانی در مجازاتی منفعتی وجود داشت، ولی در زمان و مکان خاص آن منفعت به زیان تبدیل شود و اجرای آن به مصلحت نباشد، دیگر نمی تواند مقصود پروردگار باشد و این در حالی است که واقعاً اثبات شود مجازاتی، اهداف مورد نظر خداوند را از دست داده باشد. با توجه به اینکه اهداف دنیوی از اجرای مجازات مجرمین از دیدگاه شرع و اسلام در اکثر موارد با اهداف عرفی و حقوق کیفری منطبق است، و در جهت سعادت دنیوی بشر به جز سعادت اخروی نیز می باشد، لذا تا زمانی آن مجازات قابل اجرا است که در آن منفعت وجود داشته باشد و اگر زمانی آن منفعت به مفسده تبدیل شود یا موجب وهن در دین اسلام گردد و اهداف فوق را در پی نداشته باشد، دیگر نمی تواند مورد نظر خداوند باشد، در غیر این صورت با عدالت خداوند سازگاری ندارد.

واژگان کلیدی

مجازات، اهداف مجازات، حقوق عرفی، حقوق اسلام.

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: Vatani_amir@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: niapah@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، پردیس کرج، ایران

Email: Farzad.askari82@gmail.com

(نویسنده مسئول)

طرح مسأله

مجازات تنبیه و کیفری است که به موجب قانون بر مرتکب جرم تحمیل می‌شود. از نظر اسلام نیز مجازات، کیفری است که برای مصلحت جامعه در مقابل سرپیچی از دستورات خداوند وضع شده است.

مجازات دارای اهدافی می‌باشد که هم در حقوق عرفی و هم در حقوق اسلام مدنظر است. گرچه اهدافی که اسلام از مجازات دارد، وسیع‌تر و عام‌تر از اهدافی است که در حقوق کیفری نوین در نظر گرفته شده است. دین اسلام علاوه بر اهداف دنیوی از کیفر مجرمان و گناهکاران، اهداف اخروی که همان سعادت بشر می‌باشد را نیز در نظر دارد.

هدف از مجازات در حقوق عرفی عبارت است از؛ ارباب، سزا دادن، اصلاح کردن، ناتوان‌سازی، رضایت مجنی علیه و عدالت‌ترمیمی، که با بررسی آیات قرآن، روایات و احادیث، هدف دنیوی از مجازات در حقوق اسلام نیز چیزی خارج از این اهداف نیست. در واقع قرن‌ها پیش، اسلام همین اهداف نوین را با توجه به مقتضیات زمان خود برای مجازات در نظر داشته، که انسان امروزی پس از قرن‌ها به آن رسیده است. اکثر فقهای شیعه و اهل سنت معتقدند؛ احکام اسلام بر اساس مصالح و مفاسد وضع شده است؛ یعنی خداوند به دلیل منفعتی که در یک عمل وجود دارد آن را واجب می‌داند و اگر مفسده‌ای در آن باشد از آن کار نهی کرده است. اگر احکامی در اسلام در زمان و مکان خاص برای آن منفعتی بوده و حال برای آن منفعتی نیست و مفسده و شرّ در آن وجود دارد و اجرای آن به مصلحت نیست، نمی‌تواند اراده خداوند بر اجرای آن باشد. البته این نظریه مخالفینی دارد، که مدعی هستند، کلیه احکام خداوند ثابت و بدون تغییر هستند و این احکام همیشه در ذات خود دارای منفعت می‌باشند و ممکن است انسان قادر به درک آن نباشد و لذا این احکام بدون هیچ قیدی در هر زمان و مکانی باید اجرا شوند؛ اما طرفداران این نظریه در اقلیت می‌باشند، زیرا اثبات شده است که دین اسلام یک دین پویا می‌باشد و قادر است خود را با مقتضیات زمان و مکان تطبیق دهد. آنچه که برای خداوند مهم است سعادت اخروی و دنیوی بشر است و صرفاً به سعادت اخروی توجه ندارد و سعادت این دنیا نیز خواسته خداوند است و اگر حکمی این قابلیت را از دست دهد و نتواند در این دنیا برای

بشر خیری داشته باشد، اجرای آن سودی ندارد و با عدالت خداوند سازگار نیست، که چیزی برای بندگان خود بخواهد که در آن منفعتی وجود نداشته باشد. اگر خواهان اجرای احکام اسلام بخصوص در اجرای مجازات‌های شرعی در جامعه می‌باشیم، باید معتقد به نظر آن دسته از فقها باشیم که دین اسلام را دین پویا و مصلحت‌پذیر می‌دانند و قوانین جزایی اسلام را منطبق با مقتضیات زمان و مکان و با توجه به مصلحت و منفعت قابل تعدیل و تحول می‌دانند.

احکام اسلام بر اساس مصالح و مفاسد وضع شده‌اند و اگر بپذیریم که اسلام یک دین پویا و منطبق با نیازها و مقتضیات زمان است و قادر می‌باشد خود را با هر زمان و مکانی تطبیق دهد و اراده خداوند نیز جز این نمی‌باشد، یعنی دین برای سعادت بشر در این دنیا و آخرت در همه زمانها و مکانها از طریق پیامبران بر انسانها نازل شده است و محدود به زمان و مکان خاصی نیست، پس باید مصالح و منافع جامعه را در هر زمانی با توجه به مقتضیات همان زمان در نظر بگیرد و با توجه به اینکه تمام اهداف ذکر شده برای مجازات مجرمین در حقوق عرفی چیزی جز همان اهداف خداوند از مجازات اشخاص نیست، لذا مجازات وضع شده در قوانین باید به نحوی باشد که هدفی از اهداف ذکر شده را به دنبال داشته باشد و به عبارت دیگر دارای منفعت برای فرد، جامعه و حکومت باشد. و اگر در زمان و مکانی به طور دائم یا موقت آن منفعت تبدیل به مفسده شود، با همان ابزارهایی که دین اسلام و فقه در اختیار ما قرار داده است، می‌توان قوانین را در جهت اهداف پذیرفته شده و دارای منفعت تعدیل و تطبیق نمود؛ البته این در صورتی است که اطمینان کامل داشته باشیم که مصلحت ایجاد شده در جهت اراده خداوند یا حداقل مخالف اراده خداوند نباشد. در سالیان اخیر نیز به وضوح قوانین متعددی تحت عنوان احکام حکومتی یا از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام وضع شده که هدف اصلی آن پاسخگویی به مقتضیات زمان و مکان در وضع قوانین بوده است.

۱- مجازات

قبل از بیان اهداف مجازات، مفهوم آن را از سه دیدگاه لغوی، فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۱- مفهوم لغوی مجازات

مجازات به معنی ۱- پاداش نیکی یا بدی را دادن (عموماً) ۲- سزای بدی را دادن (خصوصاً). (معین، ۹۶۹:۱۳۸۷).

به طور کلی مفهوم مجازات از لحاظ لغوی به معنای پاداش می باشد، اعم از اینکه پاداش کار نیک باشد یا کار بد. اما در عرف مجازات همان سزای عمل بد می باشد.

۱-۲- مفهوم فقهی مجازات

از نظر اسلام، مجازات همان کیفری است که برای رعایت مصلحت جامعه، در مقابل نافرمانی از دستور شارع پیش بینی شده است، اصلاح حال بشر، بیدار کردن انسانها از جهالت و نادانی و بازداشتن آنان از گمراهی و ارتکاب معاصی و وادار کردن آنها به بندگی خداوند مقصود مجازات است. (عوده، ۱۱:۱۳۹۰).

اسلام برای مجرمان و گناهکاران، کیفری مقرر داشته است. برخی از گناهان فقط عذاب اخروی دارند و این معمولاً در مورد گناهیانی است که اثبات آنها در دنیا با معیارهای عادی امکانپذیر نیست؛ مثل نفاق، سخن چینی و غیبت. ولی برای جرایمی که در محاکم قضایی قابل اثبات و برای جامعه زیان آور است، کیفرهایی به صورت حد، تعزیر و دیات قرار داده است. (ولایی، ۲۳:۱۳۹۱).

۱-۳- مفهوم حقوقی مجازات

مجازات، عبارت از تنبیه و کیفری است که بر مرتکب جرم تحمیل می شود، مفهوم رنج از مفهوم مجازات غیرقابل تفکیک است و در واقع رنج و تعب است که مشخصه حقیقی مجازات می باشد. (علی آبادی، ۱۳۸۵: ۱). مجازات به عبارت دیگر، عبارت است از هر نوع صدمه یا محدودیتی که بر طبق قانون به منظور بخشیدن به هدفهای خاصی از طرف دادگاه نسبت به جسم و جان، حیثیت، آزادی، مال و دارایی مجرم تحمیل می شود. مانند اعدام، قصاص نفس و عضو، زدن حد تازیانه یا شلاق تعزیری، جزای نقدی، حبسهای کوتاه مدت یا بلند مدت و نظایر آنها. (ولیدی، ۱۶:۱۳۷۵).

در حقوق انگلیس، کیفری است که به یک مجرم به واسطه ارتکاب جرم توسط دادگاه در نظر گرفته می شود و به آن مجازات می گویند. (441:2011.martin).

یکی از حقوقدانان غربی در تعریف مجازات بیان می‌دارد: «مجازات باید ۱-بابت قانون شکنی باشد، ۲-بر شخصی اعمال شود که قانون شکنی کرده است، ۳-از سوی یک مقام صالح یک نظام حقوقی، عامداً، وضع و اجرا شود، ۴-در بردارنده زیان باشد». (بروکس، ۲۲، ۱۳۹۵).

۲- طبقه بندی مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

مجازات‌های اصلی به چهار نوع تقسیم شده است؛ مطابق ماده ۱۴ قانون موصوف «مجازات‌های مقرر در این قانون چهار قسم است: الف) حد؛ ب) قصاص؛ پ) دیه؛ ت) تعزیر».

۱-۲- مجازات حد

مطابق ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که مطابق نظر مشهور فقها می‌باشد؛ «حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است». و در اصطلاح، «هر جرمی که مجازات مشخص داشته باشد حد نام دارد و هر آنچه غیر از این باشد تعزیر است». (ولایی، ۱۳۹۱: ۱۳۶).

۲-۲- مجازات قصاص

ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می‌شود». در اصطلاح، مقصود از قصاص آن است که با جانی همانند رفتارش با مجنی علیه، رفتار شود. پس اگر جانی مجنی علیه را کشت جانی کشته می‌شود. یا اگر جانی عضو مجنی علیه را قطع کرد، عضوش قطع می‌شود و همه آنها به شرط آن است که تمام شرایط قصاص وجود داشته باشد. (زیدان، ۱۳۹۴: ۲۰).

۳-۲- دیه

به موجب ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی؛ «دیه اعم از مقدّر و غیر مقدّر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود» «دیه در اصطلاح عبارت از مالی است که عوض کشتن شخص آزاد یا صدمه جانی

دیگری پرداخت می‌شود، چه مقدار آن معین و یا معین نباشد، هر چند معمولاً به آنچه مقدارش معین است دیده و آنچه مقدارش معین نیست ارزش یا حکومت می‌گویند». (نجفی، ۱۳۹۲: ۲۲).

۲-۴- تعزیر

ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص تعزیر بیان می‌دارد: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در مورد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد.»
«تعزیر مجازات گناہانی است که کیفر آنها معین نیست به عبارت دیگر، مجازات جرایمی است که کیفر مقدر ندارند.» (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۲۳).

یکی از حقوقدانان معتقد است، تعزیر عبارت است از مجازات جرمی که قانون آن جرم را مستوجب حد ندانسته باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۴۱۴: ۱۶۳).

در خصوص تعزیر، گاهی اندازه و مقدار تعزیر در شرع مشخص شده است و گاهی نیز مقدار و نوع آن به عهده حاکم گذاشته شده است. که اگر اندازه و مقدار تعزیر در شرع مشخص باشد به آن تعزیر مقدر گویند، مثل اینکه زن و مرد نامحرمی زیر یک پوشش لخت خوابیده باشند، که مجازات آنها ۱۰ تا ۹۹ ضربه شلاق است که به آن تعزیر منصوص شرعی نیز گویند. و اگر مقدار و نوع آن مشخص نباشد و بر عهده حاکم باشد تعزیر غیر مقدر می‌گویند.

۳- طبقه بندی مجازات ها بر اساس موضوع آنها

در اکثر قوانین جزایی، مجازاتها به طور عمده شامل مجازاتهای بدنی، مجازاتهای سالب و محدود کننده آزادی، مجازاتهای مالی، مجازاتهای منع اشتغال به شغل یا حرفه یا کار معین، مجازاتهای سالب حق و مجازاتهای سالب حیثیت طبقه بندی می‌شوند.

۳-۱- مجازاتهای بدنی

مجازاتهای بدنی، شامل مجازات سالب حیات، که عبارت است از اعدام، قصاص نفس و رجم و همچنین شامل قطع و قصاص عضو و مجازات تازیانه یا شلاق می‌باشد.
مجازات اعدام که یکی از شدیدترین مجازاتها می‌باشد و موجب سلب حیات مجرم

می شود، بیشتر برای جرایم مهم از قبیل تجاوز به عنف، قاچاق عمده مواد مخدر، محاربه و افساد فی الارض در نظر گرفته شده است و موافقان و مخالفان زیادی دارد و عده ای آن را ضروری و عده ای دیگر خواهان حذف آن از قوانین جزایی می باشند و عمدتاً کشورها به سوی حذف یا تعدیل کردن این مجازات حرکت نموده اند.

قصاص نیز مجازات بدنی است که برای اشخاصی که مرتکب قتل نفس یا قطع عضو عمدی شخصی می شوند، با رعایت شرایط قانونی اعمال می گردد.

رجم یا سنگسار کردن یکی از مجازاتهای سالب حیات است و با رعایت شرایطی که در قانون مجازات اسلامی و کتب فقهی آمده است، برزانی یا زانیه محسن اجرا می شود. صلب حد محاربه است که در ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی ذکر شده و یکی از شیوه های سلب حیات محکومان است و منظور این است که محکوم علیه را به صلیب می کشند.

برای برخی از جرایم مانند سرقت حدی و محاربه، قطع عضو در نظر گرفته شده است، که ماده ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، یکی از مجازاتهای سرقت حدی را قطع دست راست سارق و همچنین در صورت تکرار قطع پای چپ سارق تعیین کرده است و ماده ۲۸۲ قانون موصوف در خصوص حد محاربه، یکی از مجازاتهای محارب را قطع دست راست و پای چپ در نظر گرفته است.

شلاق مجازات بدنی است، که بر مجرم زده می شود و درد و رنج بر وی وارد می کند. شلاق در مجازاتهای حدی مثل زنا، غیر محصنه، شرب خمر و قذف اجرا می شود و همچنین در برخی از جرایم تعزیری، نظیر سرقت تعزیری و غیبت از زندان اعمال می گردد.

۳-۲- مجازاتهای سالب و محدود کننده آزادی

آزادی اقامت و همچنین رفت و آمد محکوم علیه ممکن است به دو صورت از وی سلب شود. گاهی به صورت مجازاتهای سالب آزادی و گاهی نیز به صورت محدود کردن آزادی وی می باشد. سلب آزادی عبارت است از محدود کردن فرد زندانی شده، بدون امکان تنظیم زندگی خود، دور از خویشان، محیط حرفه خویش و غیره. (استفانی، ۱۳۸۳: ۶۷۰).

محدود کننده آزادی، مجازاتی است که تحرک و جابجایی بزهکار را محدود می کند، ولی محکوم علیه امکان ادامه زندگی عادی را از نظر خانوادگی و شغلی از دست نمی دهد. مثل مجازات های منع از اقامت در محل یا محل های معین و اقامت اجباری در محل معین و همچنین مجازات های نفی بلد و تبعید. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۸۷).

۳-۳- مجازات های مالی

مهم ترین مجازات های مالی عبارت است از، جزای نقدی، مصادره و ضبط اموال. جزای نقدی، وجه نقدی است که بزهکار به موجب قانون و به حکم دادگاه به پرداخت آن حق صندوق دولت محکوم می شود و به جزای نقدی ثابت و جزای نقدی نسبی تقسیم می شود.

«ضبط مال عبارت است از توقیف مال موجود و کشف شده حاصل از جرم کسی به طور موقت و بدون حق برداشت، که در اموال و اشیاء مربوط به ارتکاب جرم یا اموال حاصل از جرم و به موجب دستور یا قرار یا حکم مقام صلاحیت دار قانونی صورت می گیرد و موکول به استرداد به مالک و متصرف قانونی آن یعنی اعاده می باشد و لذا نفع و حقوق مالک و متصرف، قانوناً محفوظ و در مدت توقیف، مال در نزد ضابط به امانت خواهد بود.» (محمدی، ۱۳۷۵: ۷۸-۷۹).

البته در قانون گاهی ضبط به معنای مصادره اموال نیز آمده است. اما مصادره اموال در اصطلاح حقوقی یعنی؛ «مصادره به تملیک مال به دولت و محرومیت دائمی مالک از تمام یا قسمتی از اموال خود بدون جبران خسارت اطلاق می گردد.» (سبزواری نژاد، ۱۳۹۴: ۷۴).

مصادره اموال نیز گاهی مصادره عام است، یعنی تمام اموال مجرم به نفع دولت مصادره می شود. این نوع مصادره در مواد ۴، ۵ و ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ پیش بینی شده است. گاهی نیز مصادره خاص است، یعنی تنها بخشی از اموال مجرم به نفع دولت ضبط می شود. همانند ضبط اسلحه غیرمجاز. (همان: ۷۵-۷۶).

۳-۴- مجازات های منع اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین

هدف مهم ممنوعیت شغلی پیشگیری از تکرار جرم است که با برکنار کردن بعضی اشخاص از مشاغلی که فعالیت های مجرمانه آنها را تسهیل می کند، بیش از همه به اقدامات

تامینی شباهت دارد. ولی گاهی بدون آنکه ارتباط آشکاری میان شغل یا حرفه ممنوعه و جرم ارتكابی دیده شود حکم ممنوعیت کاملاً جنبه ارعابی و آزاردهنده یا کیفری پیدا می‌کند. مثل انفصال از خدمات و مشاغل دولتی یا تعطیل کردن واحد صنفی یا موسسه تولیدی یا خدماتی که بیشتر جنبه تامینی دارد و می‌تواند موقت یا دائم باشد. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۰۱-۱۰۳).

۳-۵- مجازاتهای سالب حق

گاهی اوقات محکوم علیه به واسطه حکم دادگاه از حقوقی محروم می‌شود و این حقوق می‌تواند از حقوقی باشد که قانون اساسی برای شهروندان ایرانی به رسمیت شناخته است و یا امتیازهایی که طبق قانون به شهروندان کشور اعطا شده است. مانند حقوق سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و غیره.

محرومیت‌های مذکور از تبعات محکومیت کیفری اصلی به شمار می‌آید و در حکم دادگاه قید نمی‌شود. اما گاهی اوقات، محرومیت از حقوق اجتماعی یک کیفر اجباری است. در این صورت قاضی در رد یا قبول آن اختیار ندارد. مانند محرومیت از مشاغل یا خدمات دولتی مندرج در موارد ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۷۵ و ۵۸۷ قانون مجازات اسلامی از کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۰۴).

۳-۶- مجازاتهای سالب حیثیت

یکی از پیامدهای اجرای مجازات شرم‌نده سازی و سرافکنندگی بودن آن می‌باشد. رسوا کردن محکوم علیه، کیفر خاصی است که همواره در تکمیل مجازات اصلی، اعتبار اجتماعی بزهدکار را تهدید می‌کند. این گونه از مجازات‌ها به چند گونه در قوانین کیفری پیش بینی شده است. نخست اعلام حکم به وسیله نصب پارچه در محل وقوع جرم، موضوع ماده ۲ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷ و غیره. دوّم، اعلام نام در جرایم موضوع ماده یک قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷، سوم، معرفی از رسانه های گروهی موضوع ماده ۲۲ قانون مذکور. چهارم، انتشار حکم محکومیت قطعی از رسانه ها موضوع بند س ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۰۶).

همچنین ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، انتشار حکم محکومیت قطعی رل در رسانه ملی یا یکی از روزنامه های کثیرالانتشار با شرایطی پذیرفته است.

۴- اهداف مجازات در حقوق عرفی

به طور کلی دانشمندان حقوق سه هدف عمده برای مجازات معین کرده اند: که شامل ترساندن، سزا دادن و اصلاح بزهکار می باشد. اما در حقوق نوین بعضی از اهداف دیگر نظیر عدالت ترمیمی نیز مورد توجه قرار گرفته است که به ذکر آنها می پردازیم.

۴-۱- ترساندن

یکی از اهداف عمده مجازات، ایجاد ترس و ارعاب در مردم جهت جلوگیری از ارتکاب جرم می باشد و قانونگذار با تعیین مجازات برای اعمال مجرمانه با توجه به شدت و ضعف آنها از طریق ایجاد هراس در جامعه موجب پیشگیری از ارتکاب جرم توسط مردم می شود. بازدارندگی از مجازات می تواند جنبه عمومی یا اختصاصی داشته باشد. در پیشگیری عمومی، ایجاد ترس و هراس در بین مردم در صورت ارتکاب جرم با وضع قوانین که حاصل آن مجازات است را دربر می گیرد.

اما در پیشگیری اختصاصی، بزهکار با رنج و مشقتی که از اجرای مجازات بر او بار شده است باعث عدم ارتکاب جرم توسط وی در آینده خواهد شد.

ایجاد ترس در توده مردم و در نتیجه بازداشتن آنان از ارتکاب جرم در روزگار ما محل تردید است و به عوامل اجتماعی متعددی بستگی دارد. پیشگیری عمومی زمانی با ارعاب دیگران حاصل می شود که اوضاع اجتماعی و فرهنگی تحقق آن را ممکن سازد. به عبارت دیگر این اعتقاد که مجازات درباره عموم مردم یکسان به اجرا درمی آید و جامعه از خطای هیچ کس بدون دلیل چشم پوشی نمیکند، باید در اذهان مردم رسوخ کند؛ و گرنه ترس از مجازات نه تنها تاثیری بر اندیشه های مجرمانه نخواهد گذاشت، بلکه تبعیض اجتماعی آنان را به درستی رفتار مجرمانه قانع خواهد کرد و به طرف اعمال مجرمانه شوق خواهد داد. در پیشگیری اختصاصی نیز، تاثیر بازدارنده مجازات با توجه به وضعیت روحی، روانی و اجتماعی بزهکار متفاوت است. (همان: ۳۵-۳۶).

در پیشگیری عمومی، گاهی با کثرت بعضی از جرایم، قاضی تحت تاثیر این احساس

که ضعف معمولی مجازات‌ها باعث تجری مجرمان در ارتکاب رفتارهای مشابه می‌شود، شدت را بهترین وسیله برای متوقف کردن سرایت تشخیص می‌دهد؛ ضمناً برای رسیدن به هدف پیشگیری اختصاصی موثر، فردی کردن مجازات بهترین وسیله جهت رسیدن به این اهداف می‌باشد. (استفانی، ۱۳۸۳: ۵۹۹-۶۰۰).

بتنام استدلال می‌کرد، چنانچه رنج تحمل مجازات از لذت تحصیل احتمالی منافع جرم خاص بیشتر باشد، مجرمین بالقوه از ارتکاب جرم پیشگیری خواهند کرد.

۴-۲- سزادادن

هدف دیگر مجازات سزادهی یا همان مکافات عمل است. از این منظر هدف از مجازات شخص بزه دیده نیست، بلکه آسیب زده است باید مجازات شود و مجازات چیزی جز آینه عمل خود مجرم نیست.

عدالت کیفری نظم مختل شده را احیا می‌کند و با مجازاتی شبیه به بزه، تعادل را در جامعه برقرار می‌سازد. در این صورت کیفر باید، طبق مفاهیم قصاص، دقیقاً همانند جرم ارتكابی باشد. و بین شدت کیفر و شدت بزه، شباهت وجود داشته باشد؛ برده ای که انجیر دزدیده است به تعداد انجیرهایی که چیده است متحمل ضربات تازیانه گردد. در اینجا پیشرفت و تحول نسبت به اندیشه انتقام جویی به خوبی مشهود است، زیرا بزه‌کار دیگر نابود و تحقیر نمی‌شود، بلکه فقط باید به اندازه بدی که انجام داده است متحمل کیفر گردد. افلاطون می‌نویسد، نمی‌توان گذشته را از بین برد، زیرا کاری که شده، شده است و آنچه در نهایت مهم است، برقراری آرامش در جامعه است. (پرادل، ۱۳۸۱: ۱۹-۲۰).

سزار بکار یا در این خصوص معتقد است: «اگر لذت و الم دو محرک موجودات حساس باشد و اگر قانونگذار ازلی برای نیاتی که انسانها را برمی‌انگیزد، حتی به اعمال والایی دست بزنند ثواب و عقابی بنا نهاده است، توزیع نادرست آن این تناقض را پدید آورده است. این تناقض هرچه بیشتر عمومیت یابد کمتر مشهود است. اگر دو جرم را که زیان آن به جامعه یکسان نیست به یک نسبت کیفر دهند، مردمان مانعی قویتر بر سر راه خود نمی‌یابند تا آنان را از ارتکاب جرم بزرگتری که فایده بیشتری نصیبشان می‌کند، باز دارد». (بکاریا، ۱۳۸۰: ۹۲).

براین اساس یکی از اهداف مجازاتها تناسب بین جرم و مجازات است و هدف اجرای عدالت است که احساس انتقام جویی شخصی را تحت الشعاع قرار داده است. اگر کسی نسبت به جان، مال و یا حیثیت شخصی لطمه وارد نماید باید به همان اندازه نه بیشتر مجازات شود و درواقع، مجازات مکافات عمل شخص مجرم است که همان اجرای عدالت درمورد وی می باشد. و به طور کلی اجرای قواعد حقوقی تامین آسایش، نظم عمومی و اجرای عدالت است. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۴۴۲).

۴-۳- اصلاح کردن

یکی از مهمترین اهداف مجازات در تمام جوامع بشری اصلاح مجرم و همچنین اصلاح جامعه است. یعنی بازپروری مجرم و آماده کردن وی برای بازگشت به اجتماع می باشد. درواقع با اصلاح و بازپروری مجرم جامعه را نیز اصلاح کرده ایم.

«از تاثیر تربیتی بعضی از مجازاتها مانند اعدام، رجم و مجازاتهای توانگیر به طور کلی باید مایوس بود. زیرا، بازپروری اصولاً با اجرای این قبیل مجازاتها منافات دارد. تنها مجازاتی که خصیصه تربیتی آن به ظاهر و نسبت به مجازاتهای دیگر بارز است کیفر زندان است. اصطلاح «حبس تادیبی» زمانی شیوه ای از اجرای مجازات را تداعی می کرد که با سیاست یک نهاد تربیتی باید منطبق می بود.» (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۳۶-۳۷).

باتوجه به اینکه امروزه در اکثر نقاط جهان غالب مجازاتها را زندان و جریمه تشکیل می دهد و در اعمال این کیفرها رعایت مسائل مختلف می شود، می توان گفت مجازات به اصلاح و تربیت مجرم کمک می کند. (نوربها، ۱۳۸۶: ۳۵۵).

«در افسانه درمان مجرم، برخی تمایل داشتند که مجازات زندان را نه به عنوان سزای جرم ارتكابی و در نتیجه ناظر به گذشته بزهکار، بلکه آن را وسیله ای یا مناسبتی جهت ایجاد تغییراتی در مجرم و برای آینده او مورد توجه قرار دهند، و با نگرش به آینده، از آن برای ایجاد تحولاتی در درون فرد و یا دست کم واکنشی علیه خطرناکی او استفاده نمایند. بدین ترتیب، مدت مجازات می باید اساساً در ارتباط با مکان و طول زمان سازگاری مجدد محکوم با زندگی عادی تعیین شود؛ بزهکار برای اصلاح و معالجه به زندان گسیل خواهد شد. در حال حاضر، هواداران دفاع اجتماعی این نحوه برخورد با مسائل را مردود

می‌شمارند.» (آنسل، ۱۳۹۱: ۹۴).

اگرچه امروزه زندان به عنوان وسیله‌ای جهت اصلاح و بازپروری مجرم مورد تردید قرار گرفته است، اما اگر زندان همراه با آموزش‌های لازم، روانکاو و استفاده از مددکاران خبره جهت تربیت و بازپروری مجرمین مورد استفاده قرار گیرد می‌تواند تا حدودی موثر واقع شود، اگرچه معایب خاص خود را نیز دارد.

یکی دیگر از راه‌های اصلاح و تربیت بخصوص در مورد مجرمین نوجوان و جوان، کانونهای اصلاح و تربیت و همچنین کانونهای ترک اعتیاد می‌باشد.

دراکثر کشورهای پیشرفته و تا حدودی در کشور ما در سالهای اخیر توجه خاصی به شخصیت مجرم و درمان و اصلاح وی شده است که می‌توان ردپای آن را در قانون آیین دادرسی کیفری جدید که یکی از آنها تشکیل پرونده شخصیت در جرایم مهم می‌باشد را جست و جو نمود.

۴-۴- ناتوان سازی

برخی از نویسندگان به غیر از سه هدف فوق‌الذکر اهدافی دیگر نیز برای مجازات در نظر گرفته‌اند که از جمله آنها ناتوان سازی و رضایت مجنی علیه می‌باشد.

در ناتوان سازی در واقع توان و قدرت مجرم در ارتکاب جرم مجدد او گرفته می‌شود. که مهمترین آن مجازات اعدام است. و مجازات دیگر در این خصوص مجازات حبس است که از این طریق می‌توان ارتکاب جرم از مجرم گرفته می‌شود. نمونه‌های دیگری که باعث ناتوان کردن مجرم از ارتکاب جرم است، مجازاتهایی مانند انفصال مجرم و انفکاک او از حرفه و شغلی که دارد، می‌باشد. که این امر می‌تواند در کاهش یا پیشگیری جرم موثر باشد. (سبزواری نژاد، ۱۳۹۴: ۱۸).

۴-۵- رضایت مجنی علیه

«رضایت خاطر زیان دیده از جرم از جمله رویکردهای سودگرایانه مجازات است. درد و رنج تحمیلی بر مجرم می‌تواند آلام مجنی علیه را تا حدودی التیام دهد و مانع انتقام جویی و مفری برای خالی شدن احساسات انتقام جویانه مجنی علیه و بستگان او شود.» (سبزواری نژاد، ۱۳۹۴: ۱۸).

۶-۴- عدالت ترمیمی

یکی از اهداف نوین مجازات که در دهه های اخیر مورد توجه قرار گرفته عدالت ترمیمی است که در واقع حضور و مشارکت بزهکار و بزه دیده و همچنین اجتماع در چرخه مجازات مجرم می باشد و هدف آن پیشگیری از جرم، اصلاح مجرم و همچنین رضایت مجنی علیه می باشد.

«عدالت ترمیمی بر ترمیم بزهکاران، بزه دیدگان و اجتماع گسترده تر متمرکز است. ایده ای محوری این نظریه آن است که رابطه ای میان این سه با بزهکاری تخریب شده است و بنابراین به فرایندی نیاز است که به ترمیم روابط مشترک هم بسته، از طریق برقراری ارتباطات مشترک و نه زندان کمک کند. عدالت ترمیمی یک امر خصوصی میان بزهکاران و بزه دیدگان نیست؛ چنانچه بزه صرفاً یک مسئله عمومی میان بزهکاران و دولت نیست. بزهکاران، بزه دیدگان و اجتماع همگی در پرداختن به جرم از طریق ترمیم سهم دارند و مجازات باید همه ذی نفعان در عدالت را دربرگیرد.» (بروکس، ۱۳۹۵: ۱۱۴).

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز به عدالت ترمیمی توجه خاصی شده است، مانند حل مسئله طرفین دعوا از طریق میانجگری، عذرخواهی از بزه دیده، مجازات جایگزین حبس، کارهای خدماتی و عام المنفعه برای جامعه از ناحیه بزهکار جهت اصلاح وی و اخذ رضایت بزه دیده و پرداخت خسارت به وی و همچنین نهادهایی نظیر تعلیق، تعویق و نعافیت از مجازات به جای حبس بزهکاران می باشد.

وظیفه عدالت ترمیمی کمک به بزهکار، بزه دیده و جامعه می باشد و هدف آن نیز اصلاح مجرم، پیشگیری از جرم و رضایت بزه دیده از جرم است. در واقع عدالت ترمیمی رفع آسیب انجام شده، بر آوردن نیازهای قربانی و مسئولیت مجرمین بر اقداماتی که انجام داده اند را هدف مجازات می داند. (Brayan، 2004: 1340).

به طور کلی نهاد های اصلی مجازات مانند زندان، مجازات اعدام، جریمه و سایر تحریم ها در جامعه با توجه به اهداف جدید مورد بازبینی قرار می گیرند. در نهاد ها توجه به موضوعات خاصی نظیر ساختار محکومیت، نقش قربانی و تأثیر جهانی شدن مورد توجه

قرار می‌گیرد. (Leslie، 2008: 1832-1820).

۵- ویژگی‌های قوانین جزایی در اسلام

قبل از اینکه به اهداف مجازات از منظر اسلام بپردازیم، مختصری در خصوص ویژگی‌های قوانین به خصوص قوانین جزایی در اسلام اشاره می‌کنیم.

۱-۵- منشا الهی بودن قوانین اسلام

همه مذاهب اسلامی از اینکه منشا قوانین اسلام خدای تعالی می‌باشد، هم عقیده می‌باشند و احکام دین اسلام بر پایه وحی الهی ما باشد و به جز خدا هیچکس حق وضع قانون و جعل احکام را ندارد. مطابق آیه ۵۷ سوره انعام: «هیچ حکمی جز برای خداوند نیست که حق را بیان می‌کند و بهترین حکم کنندگان است.» و آیات دیگری نظیر آیه فوق که حق قانونگذاری را منحصرأ برای خداوند می‌دانند. البته اغلب احکام کلی و مطلق می‌باشند و قابلیت انعطاف با زمان و مکان را دارند و مجتهدان بر حسب همان کلیات و اطلاقات و صلاحیت انطباق آن، می‌توانند حکم هر واقعه جدیدی را در پرتو حقوقی اسلام یعنی اصول فقه استنباط نمایند. (فیض، ۱۳۸۵: ۳۵).

۲-۵- عادلانه بودن قوانین اسلام

قوانین اسلام بر پایه عدالت پایه گذاری شده‌اند. البته همه قانونگذاران وضعی نیز مدعی هستند که قوانین موضوعه خود را بر اساس عدالت وضع نموده‌اند. اما انسان هر قدر که اندیشمند و دارای فضل باشد، چون با سلاح عقل به میدان قانون قدم می‌گذارد و عقل انسان محدود است و اگر در جایی نقطه قوتی داشته باشد به واسطه محدود بودن عقل بشری در سایر جوانب غافل می‌ماند، به عبارتی انسان چون احاطه کامل بر اجتماع بشری ندارد، هر قدر که دقت نماید، نمی‌تواند در قانونگذاری عادل باشد، بر همین اساس است که برپا داشتن عدالت و گسترده شدن آن در میان جوامع بشری کار هیچ انسان عادی نیست. فقط قانونی می‌تواند ضامن صلاح و فلاح جامعه باشد، که قانونگذار آن به آن جامعه و روابط گسترده آن که چوت تاروپود یکدیگر را درهم گرفته‌اند احاطه کامل داشته باشد، تا بتواند میان مصالح فرد و اجتماع و روابط انسانها با خود و با خدا در جامعه و نسبت به جوامع دیگر هماهنگی برقرار کند. لذا محال است چنین احاطه و بینشی برای انسان عادی

وجود داشته باشد. لذا قانونگذار حق خداوند است و هیچ کس حق وضع آن را ندارد. چون به لحاظ محدود بودن عقل بشری نمی تواند قوانین عادلانه وضع نماید. (همان: ۳۶-۳۷).

۳-۵- قانونگذاری اسلام بر پایه مصالح دنیوی و اخروی

قوانین و احکام اسلامی بر پایه مصلحت دنیوی و اخروی قانونگذاری شده اند. احکام و قوانین اسلامی روشنگر این حقیقت است، که آنچه مشتمل بر مصالح است به آن فرمان داده شده و آن چه مشتمل بر مفسد است، از ارتکاب آن نهی به عمل آمده است. همه فرق و مذاهب اسلامی به جز اشاعه قوانین اسلام را تابع مصالح و مفسد می دانند. آنچه که مسلم است قوانین اسلامی بر اساس جلب مصالح قانونگذاری شده است. (همان: ۳۸-۳۹).

البته در قانونگذاری احکام و قوانین جزایی اسلام بین گناه و جرم تفاوت وجود دارد. به عبارتی، «رابطه و نسبت بین مفهوم گناه و مفهوم جرم عموم و خصوص من وجه است. چراکه، از سویی با مردود بودن قول به تعزیر برای هر گناه، بخشی از گناهان شرعی جرم انگاری شده و دارای کیفر معین یا تفویض شد، به حاکم می باشند و بخشی دیگر فاقد کیفر و دارای پاسخهای دنیوی غیر کیفری یا واگذار شده به حساب و کتاب و ثواب و عقاب اخروی می باشند. از سوی دیگر، همه جرم انگاریها هم مربوط به محرّمات شرعی نیست و ما، در کنار جرایمی که حرام شرعی می باشند، با مصادیقی از جرایم در شرع و در قوانین مدوّن برخورد می کنیم که حرام شرعی محسوب نمی شوند و بنا به مصالح و مقتضیاتی که برای شارع و مقنّن مهم بوده و جرم انگاری شده اند» (حسینی، ۱۳۹۳: ۱۵۵).

نکته مهم این است که دین اسلام برای اعمالی که صرفاً جنبه عبادی و اخلاقی و شخصی داشته باشند تنها مجازات اخروی در نظر گرفته است؛ نظیر حسد، کبر، ریا و برای اعمالی که در عرف حقوقی امروزه جرم نامیده می شود؛ خواه جنبه حق الهی داشته باشد؛ نظیر زنا، شرب خمر و خواه جنبه حق الناس داشته باشد مانند قذف، قتل و سرقت مجازات دنیوی در نظر گرفته است. (قیاسی، ۱۳۸۸: ۱۳).

۶- اهداف مجازات در اسلام

هدف از مجازات در اسلام از لحاظ دنیوی چیزی جز اهداف عرفی در حقوق

امروزه نمی‌باشد و آیات و روایات فراوانی در این خصوص وجود دارد که اهداف مجازات همان سزادهی، ترساندن، بازدارندگی؛ پیشگیری و اصلاح مجرم در دین اسلام می‌باشد. که به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱-۶- ارباب در اسلام

همانطور که در مباحث قبلی در خصوص اهداف مجازات در حقوق عرفی بیان نمودیم، یکی از اهداف مجازات ترساندن مجرم و جامعه از وقوع مجدد جرم است و در واقع حکومت با مجازات شخص تحت عنوان پیشگیری اختصاصی و پیشگیری عمومی مانع ارتکاب جرم در آینده توسط مجرم و اشخاص دیگر در جامعه می‌شود. دین اسلام نیز یکی از اهداف را در مجازات مجرمین، ارباب و ترساندن آنها و سایر مردم در نظر گرفته است. به عنوان نمونه خداوند در آیه سوم سوره نور می‌فرماید: «کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می‌دهند، سپس چهار شاهد مرد نمی‌آورند آنها را هشتاد تازیانه بزنید و دیگر شهادت آنها را نپذیرید و آنها که در حقیقت فاسقند».

در واقع در این آیه خداوند برای تهمت زدن مجازات در نظر گرفته است و هشدار داده، اشخاصی که به مردان و زنان پاکدامن تهمت زنا بزنند و نتوانند آن را اثبات کنند، با هشتاد ضربه تازیانه مجازات خواهند شد و دیگر شهادت آنها نیز پذیرفته نخواهد شد، که البته این مجازات دنیوی آنها می‌باشد و در این آیه همان هدف ترساندن وجود دارد که هم برای شخص تهمت زنده می‌باشد و هم برای سایر افراد جامعه تا چنانچه مرتکب این گناه شوند مجازات خواهند شد.

در آیه ۳۳ سوره مائده خداوند می‌فرماید: «جز این نیست که کیفر کسانی که با خدا و رسول او می‌جنگند و در زمین به فساد و تبهکاری تلاش می‌کنند، این است که کشته شوند یا بر دار آویخته شوند و یا دست و پاهایشان برخلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند. این برای آنها خفت و خواری در دنیاست و آنان را در آخرت عذابی بزرگ است».

خداوند در این آیه علاوه بر اهداف دیگری که از مجازات شخص مخارب دارد، یکی از مهم‌ترین هدف خود را ترساندن افراد جامعه از ارتکاب این جرم به واسطه وضع

نمودن شدید ترین مجازاتها قرار داده است.

در آیه دوم سوره نور می فرمایند: «به هر یک از زن زناکار و مرد زناکار صدتازیانه بزنید و اگر به خدا و روز واپسین ایمان دارید، مبادا شما را در اجرای دین خدا به حال آن دو رحمت و عطوفت گیرد. و باید سر عذاب آن دو، گروهی از مومنان حاضر شوند».

در این آیه نیت هدف از حضور مومنان در محل اجرای مجازات زناکاران همان ترساندن و ارعاب آنها از ارتکاب این عمل شفیع می باشد. و به نوعی خداوند در این آیه به پیشگیری اختصاصی و عمومی از جرم توجه نموده است.

روایتی است، چنانچه انسانی با حیوانی نزدیکی کند، حیوان کشته می شود و سوزانده خواهد شد و به آن شخص نیز ۲۵ ضربه شلاق زده می شود، شخصی از امام صادق (ع) سوال می کند؛ «گناه حیوان چیست؟ امام می فرماید: حیوان گناهی ندارد، لیکن رسول خدا (ص) این کار را انجام داد تا مردم جرات نکنند با حیوانات نزدیکی نمایند و باعث قطع نسل بشر شود» (عاملی، ۱۴۱۴: ۳۵۷).

و در روایتی دیگر از امام رضا (ع) در خصوص علت قطع دست سارق سوال می شود، که ایشان بیان می دارد: «دست سارق به این علت قطع می شود علاوه بر مجازات سارق، عبرتی برای دیگران باشد، تا از راه غیر حلال اموال جمع نکنند» (همان: ۲۴۲).

همانطور که از روایات مذکور استنباط می شود، یکی از اهداف مجازات عبرت و ارعاب مرتکب و دیگران از ارتکاب جرم در آینده است. که هماهنگ با هدف عرفی پیشگیری از جرم می باشد.

۲-۶- سزا دادن در اسلام

همانطور که در مباحث قبلی در خصوص یکی از اهداف مجازات به سزادهی مجازات یا مکافات عمل اشاره نمودیم، از این دیدگاه هدف از مجازات، شخص بزه دیده نیست، بلکه هدف اجرای عدالت است و مجرم به همان اندازه که به جامعه ضرر زده است، عدالت اقتضاء می کند که به همان اندازه مجازات شود. دین اسلام نیز توجه خاصی به این هدف داشته که در آیات مختلف قرآن کریم به آن اشاره نموده است که به نمونه هایی از آن می پردازیم.

خداوند در آیه ۱۶۰ سوره انعام می‌فرماید: «هرکس کار نیکی به جا آورد، او را ده برابر آن پاداش است. و هرکس کار زشتی انجام دهد، جز مانند آن کیفر داده نمی‌شود و بر آنان ستم نمی‌رود».

قسمت اخیر آیه مطابق با هدف سزادهی مجازات است که بیان می‌دارد، هرکس هر عمل بدی مرتکب شود، همانند آن عمل مجازات خواهد شد و بیشتر از آن کیفر داده نمی‌شود. که به نوعی به تناسب مجازات با ارتکاب جرم نیز اشاره دارد.

و در آیه ۲۷ سوره یونس می‌فرمایند: «و کسانی که مرتکب گناهان شده‌اند، کیفر هر گناهی مانند آن است و گردی از ذلت و خواری آنها را می‌پوشاند؛ هرگز آنان را از (خشم و عذاب) خدا نگهدارنده‌ای نخواهد بود، گویی چهره‌هایشان با پاره‌هایی از شب ظلمانی پوشیده شده، آنان اهل آتشند که در آن جاودانند». آیه ۳۳ سوره اسراء بیان می‌دارد: «و نفسی که خداوند حرام نموده، جز به حق نکشید که مظلوم کشته شود ما حتماً برای ولی او تسلطی قرار دادیم (که قصاص کند یا بگیرد یا عفو کند) پس او نباید در کشتن اسراف کند، زیرا که او (به وسیله تشریح این حکم) یاری شده است».

باتوجه به اینکه مجازات قتل عمد شخص معصوم، قصاص می‌باشد، خداوند در این آیه نیز از هدف سزادهی غافل نبوده و مجازات را به تناسب عمل مرتکب پذیرفته است و اجازه تعدی و اسراف یا زیاده روی در مجازات را منع کرده است.

در آیه ۴۰ سوره غافر خداوند می‌فرماید: «هر که کار بد کند جز به مقدار آن مجازات نمی‌شود. و هر که عمل شایسته کند، مرد باشد یا زن، درحالی که مومن باشد، چنین کسانی به بهشت درآمده، در آنجا بی حساب روزی داده می‌شود».

آیه ۳۸ سوره مائده بیان می‌دارد: «و مرد و زن دزد، دستشان را ببرید و به سزای کاری که کرده‌اند، به جهت کیفری که از جانب خداوند معین شده است، و خدا مقتدر غالب و دارای حکمت است».

خداوند در این آیه به صراحت قطع دست سارق را سزای عمل وی دانسته است. و نیز در آیه ۴۰ سوره شوری می‌فرماید: «و مجازات هر بدی، بدی است همانند آن (مانند کشتن، بریدن و جراحت زدن) پس اگر کسی عفو کند و اصلاح نماید پاداش او

برعهده خداست، حقاً که او ستمکاران را دوست ندارد».

و در آیه ۱۷۸ سوره بقره بیان می‌دارد: «ای کسانی که ایمان آورده اید، بر شما درباره کشته شدگان (به عمد، حکم) قصاص نوشته و مقرر شده، آزاد در برابر آزاد و برده در برابر برده و زن در برابر زن».

از آیات موصوف می‌توان نتیجه گرفت که یکی از مهمترین اهداف مجازات در دین اسلام سزادهی و مکافات عمل در این دنیا می‌باشد، که دقیقاً منطبق بر هدف سزادهی در حقوق عرفی نوین می‌باشد، با این وصف که اسلام قرن‌ها پیش به این هدف پرداخته است.

۳-۶- اصلاح و بازپروری در اسلام

خداوند در آیات متعددی در قرآن کریم به اصلاح مجرمان تاکید داشته و راه نجات آنها را نیز اصلاح یا توبه قرار داده است.

در آیه ۴ سوره نور می‌فرمایند: «و کسانی که نسبت زنا به زنان پاکدامن می‌دهند و چهار شاهد برای اثبات ادعای خود نمی‌آورند، پس هشتاد تازیانه به آنها بزنید و برای همیشه شهادت ایشان را نپذیرید. آنان انسانهای فاسقی هستند، مگر اینکه بعد از این عمل توبه کنند و خودشان را اصلاح نمایند، پس خداوند بخشنده و مهربان است».

در آیه ۱۵ سوره نساء بیان می‌دارد: «و زنانی از شما که کار زشت و فحشا را مرتکب می‌شوند پس چهار شاهد از خودتان بر آنها بگیرید، پس اگر شهادت دادند، زنان فاحشه را در خانه‌ها زندنی کنید تا بمیرند و یا خداوند، چاره‌ای برای آنها بیندیشد».

بعضی از مفسرین معتقدند که قسمت اخیر آیه در خصوص توبه و اصلاح زنان بدکاره می‌باشد و منظور خداوند این بوده که در صورت توبه و اصلاح، آنها را آزاد کنید. احتمال آن است واژه «سبیل» یعنی راه و چاره در آیه فوق‌الذکر به معنای توبه باشد و اگر این احتمال پذیرفته شود، واژه «جعل» در عبارت «او يجعل الله لهن سبیلاً» اشاره به توفیق دارد. (پس معنای آیه چنین می‌شود که زنان فاحشه باید برای همیشه در خانه باقی بمانند یا توبه کنند یعنی خداوند توفیق توبه کردن به آنها بدهد). (مقداد، ۱۳۹۱: ۴۶۰).

و خدلوند در آیه ۳۹ سوره مائده می‌فرماید: «هر کس پس از ظلمش توبه کند و به اصلاح پردازد، بی‌تردید خداوند بر او عطف توجه می‌کند و توبه‌اش را می‌پذیرد، که

حقاً خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است».

همانطور که از این آیه و آیه‌های اشاره شده قبل از آن استنباط می‌شود، خداوند به اصلاح و بازپروری مجرمین و گناهکاران بیش از مجازات آنها توجه داشته و راه خلاصی آنها را از مجازات، توبه و اصلاح دانسته است.

همچنین در روایات زیادی بر اصلاح مجرمین و گناهکاران اشاره شده است. به عنوان نمونه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «اگر خود را اصلاح و توبه کنید برای شما بهتر است و خداوند دستهایتان را در بهشت به شما ملحق می‌کند». (ولایی، ۱۳۹۱: ۱۸). که خطاب امام علی (ع) به سارقین می‌باشد که تنها راه سعادت آنها را توبه و اصلاح آنان می‌داند.

۴-۶- رضایت خاطر مجنی علیه در اسلام

یکی از رویکردهای سودگرایانه مجازات، رضایت خاطر زیان دیده از جرم می‌باشد. و رنج و دردی که مجرم تحمل می‌کند، تا حدودی می‌تواند آلام مجنی علیه را التیام دهد. خداوند نیز به این امر توجه دارد و یکی از اهداف مجازات را رضایت خاطر مجنی علیه می‌داند و از مجازاتهایی که در حدود و قصاص قرار داده به وضوح این امر نمایان است. به عنوان مثال در آیه ۱۷۹ سوره بقره خداوند می‌فرماید: «و برای شما ای صاحبان خرد در قصاص، زندگی است. شاید (از خونریزی به ناحق) پرهیز کنید».

در این آیه اگر مجنی علیه یا اولیاء دم متوفی در قتل عمد یا بزه دیده در سایر جرائم مثل سرقت و کذب بداند که جانی یا مجرم به مجازات عمل خود خواهند رسید، موجب تشفی خاطر بزه دیده خواهد شد و وی را از انتقام خصوصی باز می‌دارد.

۴-۵- ناتوان سازی در اسلام

در ناتوان سازی در واقع قدرت مجرم از ارتکاب مجدد جرم گرفته می‌شود. خداوند در آیه ۱۵ سوره نساء بیان می‌دارد: «و از زن‌های شما آنان که عمل زشت (زنا یا مساحقه) مرتکب می‌شوند، چهار نفر از خودتان (از مومنان) را بر آنها به گواهی طلبید، پس اگر گواهی دادند آنها را در خانه نگه دارید تا مرگ جان آنها را بگیرد، یا خداوند برای آنها راهی قرار دهد».

در این آیه هدف ناتوان سازی مجرم نیز مدنظر خداوند می‌باشد و بیان داشته، زنان

بدکاره را در خانه نگهدارید تا مرگ آنها فرارسد و در واقع خداوند با این حکم زنان موصوف را از ارتکاب مجدد فحشا ناتوان نموده است. و همچنین در آیه ۴ سوره نور می فرمایند: «و کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می دهند، سپس چهار شاهد مرد نمی آورند آنها را هشتاد تازیانه بزنید و دیگر شهادت آنها را نپذیرید و آنها حقیقتاً فاسقند». در این آیه خداوند به اشخاصی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می دهند و قادر به اثبات آن نیستند علاوه بر مجازات تازیانه از دادن شهادت نیز آنها را منع می کند و در واقع با این عمل آنها را از ارتکاب مجدد جرم که نسبت دادن زنا به زنان پاک می باشد ناتوان نموده است.

و در آیه ۳۳ سوره مائده می فرمایند: «جز این نیست که کیفر کسانی که با خدا و رسول او می جنگند و در زمین به فساد و تبهکاری می پویند این است که کشته شوند، یا بر دار آویخته گردند، یا دست ها و پاهایشان برخلاف جهت یکدیگر بریده شود و یا از آن سرزمین تبعید گردند. برای آنان خفت و خواری در دنیاست و آنان را در آخرت عذابی بزرگ است».

در آیه ۳۸ سوره مائده بیان می دارد: «و مرد و زن دزد، دستشان را ببرید به سزای کاری که کرده اند، به جهت کیفری که از جانب خداوند معین شده است، و خدا مقتدر غالب و دارای حکمت است».

همانطور که ملاحظه می شود خداوند در آیات متعددی به ناتوان سازی مجرم از ارتکاب مجدد جرم حکم داده است و ناتوان سازی که یکی از اهداف مجازات می باشد و در حقوق عرفی امروزه به آن توجه شده، قبلاً خداوند این هدف را با وضع احکام در قرآن کریم مدنظر قرار داده است.

۶-۶- عدالت ترمیمی در اسلام

یکی از اهداف نوین مجازات در حقوق کیفری، عدالت ترمیمی می باشد، که در واقع حضور و مشارکت بزهکار و بزه دیده و همچنین جامعه در چرخه مجازات مجرم می باشد و هدف آن نیز اصلاح مجرم و پیشگیری از جرم است و دین اسلام نیز با ایجاد نهادهایی چون توبه و صلح و سازش توجه خاصی به این هدف دارد.

خداوند در آیه ۱۷۸ سوره بقره می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر شما درباره کشته شدگان (به عمد، حکم) قصاص نوشته و مقرر شده، آزاد در برابر آزاد و برده در برابر برده و زن در برابر زن، پس هر که (هر قتلی که) از جانب برادر (دینی) خود (ولی مقتول) مورد چیزی از عفو قرار گرفت، پس (بر عفو کننده است نسبت به بقیه یا گرفتن دیه) پیروی از معروف و (بر قاتل است) پرداخت دیه به او به نیکی و احسان. این تخفیف و رحمتی است از جانب پروردگارتان. پس هر که بعد از این (عفو) تجاوز کرد (قاتل را کشت) او را عذابی دردناک خواهد بود».

مجازات قتل عمد، قصاص است، اما خداوند بیان نمود؛ اگر اولیای مقتول گذشت و عفو نمایند و یا بجای قصاص، دیه دریافت کنند، شایسته تر است و ایه فوق به نوعی همان عدالت ترمیمی است که به مشارکت حکومت و بزه کار و بزه دیده در فرایند جرم اشاره دارد.

خداوند در آیه ۳۹ سوره مائده می‌فرماید: «هر کسی پس از ظلمش توبه کند و به اصلاح پردازد، بی تردید خداوند بر او عطف توجه می‌کند و توبه اش را می‌پذیرد، که حقاً خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است».

خداوند یکی از راههای سقوط حدود الهی را توبه و اصلاح بزهکار و گناهکاران قرار داده است. و در واقع یکی از تخفیف‌ها و بخشش‌های خداوند نسبت به آنها می‌باشد که در صورت توبه و اصلاح از مجازات آنها صرف نظر کرده است.

و همچنین در آیه ۴۰ سوره شورا می‌فرماید: «مجازات هر بدی، بدی است همانند آن (مانند کشتن و بریدن و جراحت زدن) پس اگر کسی عفو کند و اصلاح نماید پاداش او بر عهده خداست، حقاً که او ستمکاران را دوست ندارد».

و در آیه ۴۲ و ۴۳ سوره شورا بیان می‌دارد: «جز این نیست که راه (مجازات و کیفر) برای کسانی (باز) است که به مردم ستم می‌کنند و در زمین به ناحق سلطه و فساد می‌جویند؛ آنها عذابی دردناک خواهند داشت. و البته کسی که صبر کند و در گذرد، حقاً که آن از کارهای مهم است.»

آیات فوق همان مفهوم عدالت ترمیمی در حقوق عرفی نوین می‌باشد که به

همکاری بدهکار و بزه دیده و حکومت در حل خصومت اشاره دارد. خداوند مردم را به عفو و سازش تشویق و ترغیب می‌نماید و در عوض برای عفو کننده پاداش قرار داده است.

در خصوص توبه « اگر مشهود علیه ، قبل از اقامه بینه، توبه نماید، بر اساس نظر مشهور ، حد از او ساقط می‌شود، اما چنانچه بعد از اقامه بینه ، توبه کند حد ساقط نمی‌شود.» (موسوی، ۱۴۲۸ : ۲۲۴).

یکی دیگر از نهادهایی که در اسلام وجود دارد و شباهت زیادی با عدالت ترمیمی دارد، پرداخت دیه از ناحیه عاقله می‌باشد، منظور از عاقله همان خویشان و اقارب قاتل می‌باشند که اگر قاتل به خطا کسی را کشته باشد ، آنها باید دیه را بپردازند.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: « عاقله شخص جز در موردی که جنایت با بینه (شهادت شهود) ثابت شود، ضامن دیه نیست و قاتلی نزد وی آمد و اعتراف کرد که به خطا کسی را کشته است، حضرت دیه را در مال خود آن شخص به خصوص مقرر داشت و بر عاقله او چیزی تکلیف نکرد.» (ابن بابویه، ۱۳۶۸ : ۵۳۱).

امام باقر (ع) می‌فرماید: « حضرت علی (ع) دیه جنایت مجنون را بر عهده عاقله او مقرر فرمود، چه عمدی و چه خطایی باشد.» (همان : ۵۳۱).

همانطور که ملاحظه می‌شود نهاد عاقله نیز به مشارکت خویشاوندان قاتل در حل اختلاف دعوا طرفین دارد که به نوعی هدف آن همان اهداف عدالت ترمیمی در حقوق امروزه می‌باشد.

۶-۷- حیات بخشی در اسلام

برخی از نویسندگان حقوق اسلام هدف دیگری از مجازات را در اسلام بیان می‌دارند که سابقه آن در حقوق عرفی وجود ندارد و آن حیات بخشی میباشد. و بیان می‌دارند: « جامعه‌ای که در آن حقوق فرد و جامعه محترم شمرده نشود و بی‌عدالتی ، ظلم ، فساد و فتنه در آن رایج باشد، همانند جسمی بی‌جان و نیازمند دمیدن روح زندگی است. امام کاظم (ع) در خصوص آیه ۱۹ سوره روم که بیان می‌دارد: « خداوند زمین را پس از فصل خزان و مرگ زمستانی زنده می‌کند.» می‌فرماید: مقصود این نیست که زمین را تنها با باران زنده

میکنند بلکه مقصود بعثت مردانی است که با برقراری عدالت و اقامه حدود، حیات زمین را تداوم می‌بخشند؛ زیرا منافع اجرای حدود برای زمین از آمدن باران به مدت ۴۰ روز بیشتر است؛ و حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «کسی خوشبخت نمی‌شود مگر با اجرای حدود الهی؛ چنانچه کسی شقی و بدبخت نشود مگر با ضایع ساختن و نادیده گرفتن حدود الهی». (ولایی، ۱۳۹۱: ۱۵-۱۶).

در مباحث قبلی مشخص شد که هرچند اهداف اسلام از مجازات عام تر از اهداف مجازات در حقوق کیفری نوین می‌باشد، به طوری که برخی از اهداف آن جنبه اخروی دارد، اما به وضوح تمام اهداف مجازات حقوق عرفی را در بر می‌گیرد و مطابق با آن می‌باشد و به عبارت دیگر دایره شمول اهداف مجازات در اسلام فراتر از حقوق عرفی می‌باشد اما در تعارض با این اهداف نیست و حتی کاملاً منطبق بر آن است.

نتیجه گیری

افراد به تبع آن جامعه در انجام هر عملی اهدافی را در نظر دارند و حکومت نیز از این قاعده مستثنا نیست و جهت نظم و امنیت در جامعه قواعدی را ایجاد نموده که سرپیچی از آن با کیفر از ناحیه حکومت مواجه خواهد شد. و این کیفرها اهدافی را به دنبال دارند؛ از قبیل سزادهی، ارباب، اصلاح و بازپروری، ناتوان سازی مجرم، رضایت خاطر مجنی علیه و عدالت ترمیمی از این نوع اهداف می باشند.

با توجه به اینکه حقوق کیفری کشور ما نشات گرفته از حقوق اسلام میباشد و در برخی موارد در مبحث تعزیرات از حقوق عرفی نیز بی بهره نبوده است، لذا مشخص شدن اهداف اسلام از مجازات می تواند به ما کمک کند که تا چه اندازه با حقوق عرفی و کیفری نوین منطبق است. لذا با بررسی این اهداف در سخنان خداوند در قرآن کریم و همچنین روایات معصومین اثبات نمودیم که هدف اسلام نیز چیزی جز اهداف حقوق کیفری که بشر قرن ها بعد از نزول دین اسلام به آن رسیده نمی باشد؛ البته دین اسلام به غیر از اهداف فوق هدف های دیگری از قبیل حیات بخشی در مجازات و همچنین اهداف اخروی یعنی به سعادت رساندن بشر در آخرت و غیره را نیز در نظر دارد.

به عنوان نمونه خداوند در آیه ۹۳ سوره نساء می فرماید: «و هر کس مومنی را به عمد بکشد (و آن را حلال نشمرد)، کیفر او جهنم است، که جاودانه در آن باشد و خداوند بر او خشم خشم گیرد و او را از رحمت خود دور سازد و برای او عذابی بزرگ فراهم نماید».

همانطور که ملاحظه می شود، خداوند در قتل عمد، کیفر جهنم را برای قاتل در نظر گرفته است و این یکی از اهداف اخروی از مجازات می باشد؛ در صورتی که هدف دنیوی آن سزادهی، ارباب و اهداف دیگری می باشد که قبلا ذکر شده است.

با توجه به مطالب و فوق نتیجه می گیریم که هدف خداوند از مجازات چیزی جز سعادت بشر در این دنیا و آخرت نمی باشد و اگر در برهه ای از زمان مجازاتی این اهداف را در پی نداشته باشد، حذف یا تعدیل آن نمی تواند غیر از مقصود خداوند باشد؛ به عبارت دیگر اهداف دنیوی مجازات در حقوق عرفی منطبق با اهداف شریعت در خصوص کیفر

می باشد و اگر زمانی مجازات این اهداف را به دنبال نداشته باشد و یا اثر آن از بین رفته باشد و یا اینکه اجرای مجازات موجب وهن در دین اسلام گردد و ضرر آن فراتر از فایده آن باشد، تغییر یا تبدیل آن امکان پذیر است البته با همان ابزارهایی که دین اسلام در اختیار ما قرار داده است. و این در صورتی است که به طور کلی سود و فایده، کیفری منتفی شده باشد، نه اینکه به صرف عدم سازگاری با حقوق عرفی مبادرت به حذف کیفر شرعی نماییم.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۳، حقوق جزای عمومی، جلد شوم، چاپ چهارم، تهران، میزان.
- ۳- استفانی، گاستون، ۱۳۸۳، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، ترجمه دادبان، حسن، چاپ دوم، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۴- آنسل، مارک، ۱۳۹۱، دفاع اجتماعی، ترجمه آشوری، محمد و نجفی ابرندآبادی، علی حسین، چاپ چهارم، تهران، گنج دانش.
- ۵- بروکس، تام، ۱۳۹۵، مجازات، ترجمه کاظم نظری، محمدعلی، چاپ اول، تهران، میزان.
- ۶- بکاریا، سزار، ۱۳۸۰، رساله جرایم و مجازاتها، ترجمه اردبیلی، محمد علی، چاپ چهارم، تهران
- ۷- پرادل، ژان، ۱۳۸۱، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه نجفی ابرندآبادی، علی حسین، چاپ اول، تهران، سمت.
- ۸- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۶، ترمینولوژی حقوق، چاپ هجدهم، تهران، گنج دانش.
- ۹- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ ه ق، وسایل الشیعه، جلد ۲۸، چاپ دوم، قم، مهر.
- ۱۰- حسینی، سید محمد، ۱۳۹۳، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، تهران، سمت.
- ۱۱- زیدان، عبدالکریم، ۱۳۹۴، قصاص و دیات در دین اسلام، ترجمه نبی پور، محمد و ایزدی فرد، علی اکبر، چاپ اول، تهران، مجد.
- ۱۲- سبزواری نژاد، حجت، ۱۳۹۴، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، جنگل.
- ۱۳- شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۳، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، جلد دوم، چاپ اول، قم، موسسه معارف اسلامی.
- ۱۴- صانعی، پرویز، ۱۳۸۲، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، طرح نو.
- ۱۵- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۸، من لایحضر الفقیه، جلد پنجم، ترجمه غفاری، علی اکبر، چاپ اول، تهران، تابش.
- ۱۶- علی آبادی، عبدالحسین، ۱۳۸۵، حقوق جنایی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، فردوسی.
- ۱۷- عوده، عبدالقادر، ۱۳۹۰، مجازات مبانی و اقسام آن، جلد دوم، ترجمه فرهودی نیا، حسن، چاپ اول، تهران، یاد آوران.

۱۸- فیض، علیرضا، ۱۳۸۵، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلام، چاپ هفتم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.

۱۹- قیاسی، جلال‌الدین و دیگران، ۱۳۸۸، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲۰- محمدی، حمید، ۱۳۷۵، ضبط، مصادره و استرداد اموال، چاپ اول، تهران، گنج دانش.

۲۱- معین، محمد، ۱۳۸۷ فرهنگ فارسی (معین) چاپ اول، تهران، فرهنگ نما.

۲۲- مقداد، سیوری، فاضل، ۱۳۹۱، کنز‌العرفان فی فقه القرآن ۲، ترجمه و شرح زراعت، عباس، چاپ اول، کاشان، انشای حقوقی.

۲۳- موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۴۲۸ ه ق، تکمله المنهاج، جلد ۴۱، چاپ دوم، انتشارات امام الخوئی.

۲۴- نجفی، محمدحسن، ۱۳۹۲، جواهرالکلام، بخش دیات، شرح و ترجمه نایب زاده، اکبر، چاپ اول، تهران، خرسندی.

۲۵- نوربها، رضا، ۱۳۸۶، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ بیستم، تهران، گنج دانش.

۲۶- ولایی، عیسی، ۱۳۹۱، جرایم و مجازات‌ها در اسلام، چاپ اول، تهران، مجد.

۲۷- ولیدی، محمد صالح، ۱۳۷۵، حقوق جزای عمومی، جلد چهارم، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر داد.

28- Bryan A. Garner ,2004, Black's Law Dictionary, 4th Edition ,United States of America, Thomson West.

29-Elizabeth a. Martin , 2011, Oxford dictionary of law, 7th edition, Britain , Oxford University press.

30-Leslie.sebba,2008,Punishment of criminal sensylopedia of violence,peace and conflict second edition ,united statees of America,academic press.

